



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ روایات رسیده از خلفاء خداوند (واحد و متواتر)

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: حسن

تاریخ: ۱۳۹۹/۶/۸

از کجا می‌توان مطمئن شد که سند یک حدیث جعلی نیست؟ آیا برای جاعلان حدیث ممکن نبوده است که حدیثی بسازند و برای آن سندی هم جعل کنند؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۹/۶/۱۳

متأسفانه جعل سند هم مانند جعل متن ممکن بوده و انجام شده و این دلیل دیگری بر عدم اعتبار خبر واحد است. هر چند تشخیص آن در غالب موارد دشوار نیست؛ چراکه غالباً نام خود جاعل در آغاز یا وسط سلسله‌ی سند وجود دارد و همین برای سقوط اعتبار آن حتی در نظر قائلان به حجّیت خبر واحد کافی است.

جاعلان سند معمولاً به دو شیوه عمل می‌کردند:

یکی اینکه حدیث جعلی را از راویانی مجهول نقل می‌کردند تا خطر رسوا شدنشان کاهش یابد؛ با توجه به اینکه اگر آن را از راویان معروف نقل می‌کردند، ممکن بود خود آن راویان یا شاگردانشان یا کسان دیگری که آنان را می‌شناختند و از روایاتشان آگاهی داشتند، از دروغشان مطلع شوند و خبر دهند. از این رو، جاعلانی که از رسوایی می‌ترسیدند، حدیث جعلی را از کسانی نقل می‌کردند که اصلاً وجود نداشتند یا اگر وجود داشتند، کسی آنان را نمی‌شناخت و اگر این را کافی نمی‌یافتند، آن را از خویشاوندان درگذشته‌ی خود مانند برادر، پدر، مادر، عمو و دایی‌شان نقل می‌کردند تا آسان‌تر و طبیعی‌تر به نظر برسد و دردسر کمتری داشته باشد! مانند حدیث موسوم به وصیت که توسط یکی از جاعلان حدیث به نام جعفر بن أحمد مصری، از عمویش، از پدرش، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است، در حالی که هیچ کس عموی او و پدر عمویش را نمی‌شناسد!

۱. در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۴، پرسش و پاسخ فرعی ۴.

شیوهی دیگر جاعلان سند این بود که حدیث جعلی را از راویانی معروف و ثقة نقل می کردند! این شیوهی جسورانه و متهورانه، تنها هنگامی به کار گرفته می شد که پذیرفته شدن حدیث جعلی برای آنان از حفظ آبرویشان مهم تر بود! در اسنادی که با این شیوه جعل شده اند، راویان مذکور بعد از جاعل، افراد معروف و ثقة هستند، ولی متن حدیث مخالف با عقل یا قرآن یا روایات صحیح و مشهور است، در حالی که از یک سو، افراد معروف و ثقة متن مخالف با عقل یا قرآن یا روایات صحیح و مشهور را روایت نمی کردند و از سوی دیگر، اگر فرضاً روایت می کردند نیز صرفاً برای جاعل روایت نمی کردند!

البته گاهی نیز جاعل به قدری گستاخ بوده که یک کتاب را جعل کرده و به یک راوی معروف و ثقة نسبت داده است! در این موارد، چه بسا نام جاعل در آغاز سلسلهی سند دیده نمی شود و اشخاص عامی تصوّر می کنند که همهی راویان حدیث معروف و ثقة هستند، در حالی که خود کتاب جعلی است و این از آنجا آشکار می شود که کتب راویان معروف و ثقة، شناخته شده است و توسط رجال شناسان مختلف نام برده شده است، در حالی که این کتاب در میان آن ها دیده نمی شود. هر چند گاهی نیز جاعل به قدری گستاخ است که کتابی را با نام یکی از کتب شناخته شده جعل می کند؛ زیرا برخی از این کتب که توسط رجال شناسان مختلف نام برده شده، دیگر باقی نمانده است و این به جاعلان گستاخ فرصت می دهد تا متنی جعلی را با عنوان یکی از این کتب یا بخشی از آن منتشر کنند! این موارد نیز از آنجا شناخته می شود که میان منتشرکننده و صاحب کتاب یا نخستین شخص در سلسلهی راویان آن، فاصلهی زمانی بسیاری وجود دارد، به نحوی که ممکن نیست منتشرکننده آن را از خود او گرفته باشد. معمولاً در این موارد، منتشرکننده ادّعا می کند که آن را یافته است، در حالی که درستی ادّعای او معلوم نیست و اگر فرضاً معلوم باشد نیز موجب اعتبار کتاب نمی شود؛ زیرا معلوم نیست که کتاب یافته شده، همان کتاب اصلی باشد و مثلاً کتابی جعل شده توسط جاعلی در گذشته نباشد. از اینجا دانسته می شود که تنها کتب مشهور و متداول در زمان صاحبان آن ها یا زمان راویان معروف و ثقةی آن ها قابل اعتماد است، نه کتبی که بعدها با نام آن ها یا منتخب و مختصر آن ها پیدا شده و معلوم نیست که پیش تر کجا بوده و سپس از کجا سر درآورده است!

از کتب شیعه که بنا بر برخی از این دلایل، جعلی یا مشکوک هستند، می توان به کتاب مصباح الشریعة منسوب به امام جعفر صادق و کتاب فقه الرضا منسوب به امام علی بن موسی الرضا و کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری و کتاب منسوب به سلیم بن قیس هلالی و کتاب منتخب إثبات الرجعة منسوب به فضل بن شاذان و کتاب مختصر بصائر الدرجات منسوب به سعد بن عبد الله و کتاب الإختصاص منسوب به شیخ مفید و کتاب الرجال منسوب به ابن الغضائری نام برد؛ همچنانکه کتبی مانند الهدایة الکبری از حسین بن حمدان خصیعی و کتاب الإحتجاج از

أحمد بن علي طبرسي و کتاب الأربعين يا كفاية المهتدي از ميرلوحی و کتاب مشارق أنوار اليقين از رجب برسي و برخی دیگر از کتب شيعه نیز آکنده از روايات جعلی هستند و با این حال، توسط برخی غاليان و جاهلان شيعه چاپ و منتشر می‌شوند! در میان اهل سنت نیز کتب جعلی فراوانی وجود داشته، ولی خوشبختانه هیچ یک به اندازه‌ی کتب جعلی شيعه رواج نیافته و با اقبال عام و خاص مواجه نشده است؛ مانند کتاب فضائل معاوية از محمد بن عبد الواحد زاهد و کتاب فضائل يزيد از عبد المغیث بن زهير حنبلي و کتاب مناقب أبي حنیفة از أحمد بن محمد حماني و کتاب فضائل محمد بن کرام از إسحاق بن محمّشاذ و کتب دیگری از این دست که بیش از هر کس توسط خود عالمان اهل سنت رسوا و نکوهش شده است و امروز دیگر متداول نیست.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلسین با حکم کتبی و غیر کتبی



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.